مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال چهارم)
شماره ۱۴ / زمستان ۱۳۹۷ / ص ۱۷ - ۱

حدود قاعده رضاع از منظر امامیه

علی قربانیان[۱]، احمدرضا توکلی [۲]

[۱]گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

[۲]استاد یار گروه الهیات، واحد نجف آباد ، دانشگاه آزاد اسلامی ، نجف آباد، ایران.

نام نویسنده مسئول:
علی قربانیان

چکیده

اگر زنی نوزاد شیرخواری را با شرایط خاصی که در کتب فقهیه موجود است شیر بدهد آیا آن نوزاد در تمامی احکام جایگزین فرزند مرضعه می شود، بطوری که برای مثال ازدواج برادر نسبی مرتضع و خواهر رضاعی او باطل می باشد؟ یا اینکه گستره محرمیت رضاعی فقط در عناوین مصرح در آیات و روایات می باشد؟ دو نظریه مطرح است: ۱-نظریه انحصار؛ که نظریه مشهور فقهاء می باشد. ۲- نظریه تعمیم که نظریه برخی از فقهاء از جمله ابن ادریس حلی از قدماء و محقق داماد از متأخرین می باشد. نظر صحیح نظریه انحصار است؛ زیرا هر چند مقتضای اصل اولی در ازدواج اصالة الفساد است و استناد به اصالة الاباحه و استصحاب جواز نکاح جائز نیست، لکن عموماتی داریم که ازدواج با هر زنی را جایز می داند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. از این عمومات مجوزه، عناوین مصرحه در آیه (یعنی مادر،دختر، خواهر،عمه، خاله،دختر خواهر،دختر برادر) و عنوان مصرح در روایت (یعنی ازدواج پدر مرتضع با اولاد مرضعه) استثناء شده و عناوین مشکوکه محکوم به عمومات مجوزه می باشد.

واژگان کلیدی: رضاع، نسب ، مرتضع، حرمت

مقدمه

به طور معمول فقهاء سه عامل (نسب ،سبب،رضاع) را بر حرمت نکاح بر می شمارند. از آنجا که تأثیر رضاع به شدت متاثر از روابط نسبی است به طوری که در لسان روایی این جمله به عنوان یک قاعده‌ی یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب بیان گردیده ؛ ضروری است این تأثیر و تأثر و محدوده آن مورد تحقیق جامع قرار گیرد که آیا در تمامی مواردی که در رابطه نسبی نکاح باطل است، در رابطه رضاعی معادل آن هم ، ازدواج باطل است؟ یا می توان برای آن محدودیتی در نظر گرفت، به طوری که موردی باشد که از نظر نسبی ازدواج حرام باشد، اما از نظر رضاعی ازدواج ممنوع نباشد.

در فقه قاعده ای داریم به عنوان (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب) که طبق این قاعده نکاح هر کسی که بواسطه نسب حرام می‌شود بواسطه رضاع نیز حرام می شود، بنابراین محرمیت این افراد بر طفل شیرخوار مسلم است: زن شیردهنده ، اُم شیرخوار و اولاد آن زن، برادران و خواهران آن شیر خوار و شوهر آن زن، پدر آن شیرخوار و برادران و خواهران آن زن، دایی ها و خاله های آن شیرخوار خواهند بود.

نکته ای که مسلم است تمامی احکام قرابت مثل وجوب نفقه، حق حضانت، وجوب طاعت وارث بر مسأله رضاع مترتب نمی‌شود؛ بلکه فقط تحریم نکاح و جواز نظر مترتب می گردد. (صدر، ۱۴۲۰: ۲۴۹)

حال سؤال آن است که این احکام تحریم نکاح وجواز نظر برای برادران و خواهران نسبی و به طور کلی برای خویشاوندان نسبی شیرخوار نیز ثابت است، به طوری که مثلاً برادر نسبی او نسبت به خواهر رضاعی شیرخوار محرم باشد. برخی بر این باورند که به سبب رضاع تمامی آنها محرم می شوند؛ حتی برادران و خواهران نسبی شیرخوار با برادران و خواهران رضاعی او(نظریه تعمیم) و برخی می گویند: رضاع موجب محرمیت شیرخوارمی شود؛ اما مابقی بین آنها محرمیتی نیست. (نظریه انحصار) (صدر،۱۴۲۰ : ۲۴۹)

بیان یک نکته: ازدواج های مشمول قاعده رضاع

قبل از تبیین نظریه مختار و ادله آن می بایست بدانیم که حرمت ازدواج مطرح شده در این بحث تنها شامل ازدواج های دائمی مانند ازدواج دائمی با مادر و خواهر و غیره نمی‌شود تا روابط رضاعی محدود به آنها شود بلکه این حرمت در موارد دیگر نیز وجود دارد.

الف- ازدواج های غیر دائمی موقت

بنا بر اطلاق روایات گفته شده حرمت نکاح در روایت هم شامل ازدواج دائم می شود هم شامل ازدواج موقت، زیرا اگر امام صادق علیه السلام در صدد بیان قیدی پیرامون شمول روایت درباره ازدواج دائم بودن، قید دوام را اضافه می‌کردند، ولی حالا که قیدی مطرح ننموده اند مشخص است که در این روایت قید ی در کار نیست، و روایت از این جهت اطلاق دارد، چون مسئله ازدواج موقت نیز یک عنوان عام البلوی بوده است. بنابراین اطلاق گیری و سرایت مطلب به ازدواج موقت نیز بی اشکال است.

ب- ازدواج های محرم غیردائمی

بعضی از ازدواج ها حرام است، اما حرمت آن دائمی نیست، مثلاً ازدواج با دو خواهر نسبی همزمان حرام می باشد، آیا این حرمت شامل خواهر رضاعی نیز می گردد، و ازدواج با خواهر رضاعی همسر نیز حرام است؟ در این مسئله باز به اطلاق تمسک کرده و می‌گوییم: ازدواج همزمان با خواهر رضاعی همسر ممنوع و حرام است ،و چون روایت قیدی ندارد که آن را تنها شامل ازدواج های محرم دائمی مانند ازدواج خواهر و مادر نماید پس اطلاق گیری کرده و این حرمت را به ازدواج با خواهر رضاعی همسر نیز سرایت می دهیم، علاوه بر این اطلاق دیگر روایات شریفه نیز بر این مطلب دلالت دارند از جمله محمد بن یعقوب از حسن بن محبوب از ابی عبیده از امام صادق علیه السلام روایت می کند: که زن به ازدواج عمو و دایی و همچنین همزمان همسر مردی که خواهر رضاعی او را به همسری دارد در نمی‌آید.(عاملی(حر) ، ۱۴۰۹: ۴۰۲)

در اینجا شایسته است ابتداء نظریه فقهاء و استدلالشان بیان شده آنگاه به تبیین نظریه مختار و استدلال بر آن بپردازیم:

مبحث اول: نظرات فقهاء در مساله:

نظریه اول- نظریه انحصار

این نظریه نظر مشهور فقهاست و محرمیت در بحث رضاع منحصر به عناوین هفتگانه ی محرم مصرّح در آیه ی ۲۳ سوره نساء می باشد: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا»

در این آیه شریفه افرادی که با آنها نسباً ازدواج حرام و ممنوع است بیان شده که عبارتند از : مادر، دختر ، خواهر ، عمه ، خاله ، دختر خواهر ،دختر برادر.

اقوال برخی فقهاء موافق نظریه انحصار:

شیخ طوسی در کتاب المبسوط

ایشان در کتاب مبسوط می‌فرمایند: «اگر به واسطه ی رضاع یکی از عناوین هفت گانه اشاره شده در آیه حاصل شود ازدواج حرام میباشد، و این حرمت در رضاع حرف به حرف مطابق بحث نسب می باشد.» (طوسی، ۱۴۲۹: ۲۰۵)

سید علی طباطبایی نیز در کتاب ریاض المسائل

ایشان محرمیت را در صورتی در رضاع صحیح می شمارند که فرزندی و برادری حاصل شود و در غیر این صورت چون عناوین هفتگانه حاصل نمی‌شود ازدواج را حرام نمی‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۵۷)

شیخ انصاری:

ایشان در این زمینه می‌فرماید: عنوانی که باعث حرمت ازدواج می گردد فقط یکی از عناوینی است که در لسان شارع ذکر شده مانند : مادر ، دختر، بنابراین آن نسبی که در تحریم نکاح موثر است شایستگی دارد که در بحث رضاع نیز آن عنوان باعث تحریم باشد که در آیه شریفه ذکر شده باشد. (انصاری، ۱۴۱۱: ۳۵۶)

آخوند خراسانی در کتاب الرضاع:

ایشان می فرماید: «بدان که با دقت نظر در روایت شریفه مقتضای روایت، عدم نشر حرمت به غیر از موارد یاد شده می باشد؛ زیرا حرمتی که به واسطه ی رضاع در حدوث آن شک می باشد اصالت عدم حدوث اقتضاء می‌کند که حرمتی حاصل نشده است.» (آخوند خراسانی ،۱۴۱۳: ۳)

در نتیجه اقوال گفته شده در مقام اعمال قاعده رضاع محارم رضاعی بدین شرح هستند :

۱- پدر و مادر و اجداد و جدات رضاعی هر قدرکه بالا برود .

۲- اولاد رضاعی هر قدر که پایین برود .

۳- برادر و خواهر رضاعی و اولاد آنها هر قدر که پایین برود .

۴- عمه و عمو و دایی و خاله رضاعی خود و پدر و مادر و اجداد و جدات .

نظریه دوم- نظریه تعمیم

بنابراین نظریه، تنزیل رضاع به نسب به حسب اطلاق حدیث و همچنین ادله ی خاصه در مقام محدود به عناوین هفتگانه مصرح در آیه شریفه ی سوره نساء نیست، و شامل عناوین دیگری که در سوره نساء از آن نامی به میان نیامده اما ملازمه ی دائمی با آن عناوین محرمه دارد هم می شود.

اقوال برخی فقهای موافق نظریه تعمیم:

ابن ادریس در کتاب السرائر:

ایشان با پذیرش این دیدگاه در مورد عنوان اُم اُم ولد که قطعا از عناوین محرم نسبی مصرح در قرآن نیست معتقد به حرمت نکاح در معادل رضاعی آن است چون این عنوان در حالت نسب موجب حرمت است، پس بنابر عموم تنزیل در حالت رضاع هم نکاح حرام و ممنوع است. (حلی ،۱۴۱۰ : ۵۵۴)

علامه عماد میر محمد باقر مشهور به محقق داماد:

یکی دیگر از طرفداران جدی نظریه ی تعمیم چه از نظر دلیل عام و چه دلیل خاص علامه محقق عماد میر محمد باقر مشهور به داماد است، ایشان در رساله خود به نام «ضوابط الرضاع» از این دیدگاه به شدت دفاع میکند، محدث بحرانی در کتاب الحدائق الناضرۀ نظر میرداماد را این چنین نقل می کند: «آن چیزی که از کلام محقق داماد فهمیده می شود دو چیز است یکی حدیث مشهور و آن قول ائمه علیهم السلام که می فرمایند «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»». ایشان ادعا دارد این روایت به واسطه عمومش شامل عناوین غیر مصرح نیز می شود، زیرا در این روایت به جهت حرمت و علت تحریم اصلاً اشاره نشده است، بلکه منطوق عموم این روایت دلالت دارد هر آنچه به واسطه ی نسب حرام باشد به واسطه رضاع نیز حرام است،در حالی که وجه حرمت و علت تحریم اصلا ذکر نشده، و دوم اینکه اخباری که در ازدواج پدر شیرخوار با اولاد صاحب شیر وارد شده در بعضی از اخبار معصوم علیهم السلام فرموده: «فرزندآن زن شیرده به منزله فرزند شما می باشد»، بنابراین محقق داماد فرموده: «این سخن روایت باعث تعمیم می‌شود، و باعث حرمت هر آن کسی که محرمیت به واسطه ی رضاع دراو ایجاد می‌شود» .(محقق بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۸۷).

مبحث دوم: نظریه مختار و تبیین ادله :

قبل از اینکه مقتضای قواعد و ادله اجتهادیه را بررسی نماییم می بایست انحاء تصویر شک در بحث رضاع را مطرح نموده مقتضای اصل و ادله را در هر کدام بصورت جداگانه بررسی نماییم.

گفتار اول: بررسی مساله در صورت شبهه مصداقیه

گاهی شبهه مصداقی است مثل اینکه میدانیم یکی از لیوان ها نجس است اما نمی دانیم کدام لیوان ، در اینجا حکم برای ما مشخص است ولی مصداق مشخص نیست، یا اینکه می دانیم پشت سر امام جماعت غیر عادل نمی شود نماز خواند، اما نمی‌دانیم آیا جزء مصادیق فاسد هست یا خیر؟

اگر ماهیت حکم حرمت رضاعی برای ما مشخص باشد، ولی ندانیم آیا رضاع و شرایط آن وجود داشته یا نه ؟در اینجا شبهه ما مصداقی میباشد ، مثلاً می‌دانیم ازدواج با مادر رضاعی حرام است، اما نمی‌دانیم آیا آن زن فرزند را شیر داده؟ یا می‌دانیم شیر داده اما نمی‌دانیم شیر دادنی که موجب تحریم ازدواج است اتفاق افتاده یا نه ؟ در این موارد اصل عدم رضاع جاری می شود؛ چون رضاع از حوادث اعتباری و مسبوق به عدم است، بنابراین اصل عدم تحقق رضاع در مسئله جاری می شود، و حکم به صحت عقد نکاح مشکوک می شود.

آیت اله خویی می‌فرماید: گاهی شبهه مصداقی است به اینکه انسان، در تحقق اصل رضاع یا بعضی شرایط آن شک دارد. اقتضای استصحاب عدم تحقق رضاع می باشد، مثلاً اگر شک کردیم در اصل تحقق رضاع بین زید و هند، پس اصل عدم تحقق رضاع می باشد، همچنین اگر شک کردیم در مدت رضاع یا عدد آن و مقداری که معتبر است در حرمت، در این صورت استصحاب عدم تحقق رضاع معتبر را می نماییم. (موسوی(خویی) ،۱۴۱۷ : ۳۶)

اشکال و جواب:

البته در اینجا بعضی به اصل عدم تحقق زوجیت در جایی که رضاع مشکوک می باشد تمسک کرده اند، ولی تمسک به این اصل صحیح نیست؛چون این اصل یک اصل مسببی است، و در کتاب‌های اصول بیان شده که همیشه اصل سببی بر اصل مسببی مقدم است.(صدر، ۱۴۰۵: ۳۴۸)

نتیجه مساله در شبهات مصداقیه:

اصل عدم تحقق رضاع در مسئله جاری می شود، و حکم به صحت عقد نکاح مشکوک می شود.

گفتار دوم- بررسی مساله در صورت شبهه حکمیه

گاهی شبهه حکمی است یعنی ما حکم مسئله را نمی‌دانیم، مثل این که نمیدانیم گوشت خرگوش خوردنش حلال است یاحرام؟

در اینجا نیز گاهی شبهه در حکم و چگونگی نشر حرمت توسط رضاع است، در این حالت اصل تحقق رضاع معلوم است، ولی در اینکه آیا این رضاع باعث حرمت ازدواج میگردد یانه؟ شک می باشد، بایستی دید مقتضای اصول و قواعد فقهی و همچنین روایات ما در مسئله چه چیزی میباشد؟

بند اول: مقتضای اصول عملیه :

در رابطه با شبهه حکمیه رضاع اصل اولی احتیاط است، بنابراین در موارد علم به تحقق رضاع و شک در صحت نکاح اصالت عدم تحقق نکاح جاری می شود.

محقق کرکی در این زمینه می‌فرماید((اصل در شبهه ی حکمیه رضاع احتیاط است؛ زیرا در باب خروج مبنا احتیاط تام است. هیچ شکی نیست که حلیت زن برای غیر به مجرد رضاع مشکوک قولی خلاف احتیاط بلکه خلاف تدین میباشد، و در این حکم تجرّی بر خداوند متعال صورت گرفته و این حکم مخالف با ارشادات سنت طاهره می باشد. (محقق کرکی، ۱۴۰۹ : ۲۱۹)

البته در این باره به اصول متفاوت دیگری نیز تمسک شده که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی اصول داله بر اباحه نکاح:

الف- اصاله الحلیه یا اباحه

شیخ انصاری در کتاب فرائد الاصول می‌فرماید: «اگر در مورد حکم چیزی شک شود، و دلیلی بر اثبات آن حاکم نباشد حال منشأ این شک فقدان نص یا اجمال نص یا تعارض نصیین باشد، در هر سه صورت بایستی به اصل حلّیت یا اباحه تمسک کرد.» (انصاری ، ۱۴۱۵ : ۳۱۵)

در بحث ما نیز اگر شک در حرمت نکاح رضاعی با کسی که متصف به عناوین غیرمصرّح در قرآن است گردید بایستی به اصاله الاباحه تمسک نموده، و بگوییم در این موارد ازدواج جایز می باشد.

نقد و بررسی اصاله الحلیه :

بایستی توجه داشت با وجود اقتضای جریان اصاله الحلیه در مسئله، اما به خاطر وجود موانعی نمی‌توان به این اصل تمسک نمود، و در مسئله قائل به حلیت شد، چون در این موارد ما شک دیگری داریم، و آن بدین صورت است که ما شک داریم که آیا نکاح بین این زن و مرد واقع شده یا نه؟ و از آنجا که نکاح از امور اعتباری است اصل عدم نکاح می باشد، بنابراین تا نکاح اتفاق نیفتاده باشد بحث حلیت مطرح نمی‌شود، پس چون اصل عدم تحقق نکاح وجود دارد این اصل حاکم بر اصل حلیت می باشد، و طبق قواعد اصولی همیشه دلیل حاکم بر دلیل محکوم مقدم است.

آیت الله خویی در این زمینه می فرمایند((مخفی نماند که در این مقام تمسک به اصاله الحل جایز نیست؛ چون اصاله الحل محکوم به اصاله عدم تحقق زوجیت بین دو شخصی که شک در تحقق حرمت بین اینها به واسطه ی رضاع است می باشد، در حالی که در شبهه مصداقیه اینگونه نبود، بخاطر اصاله الحل که در روایت مسعده بن صدقه وارد شده که حضرت می‌فرماید: امور همگی حلال هستند تا هنگامی که غیر آن بر تو ثابت گردد یا بینه بر آن اقامه شود. (عاملی(حر)، ۱۴۰۹ :۸۹)

ب-اصل استصحاب

یکی دیگر از اصول عملیه که به آن در اثبات جواز نکاح در موارد شبهات حکمیه تحریمیه استناد گردیده، اصل استصحاب است؛ با این توضیح که ازدواج با این زن قبل از رضاع، قطعاً جایز و مشروع بوده، حال با وجود شک و تردید در حکم جواز نکاح ، که آیا حرمت نکاح رضاعی شامل عناوین غیر مصرّح در قرآن می شود یا نه؟ و فرضاً دلیلی بر حرمت نکاح اقامه نشده ،حالت سابقه، استصحاب و حکم به جوازنکاح می گردد.

نقد و بررسی استصحاب:

باید توجه داشت که این استصحاب هم مانند برائت محکوم اصل عدم تحقق زوجیت است، و جریان آن با مانع مواجه است. مضافاً استناد به اصل استصحاب در این مورد مبتنی بر پذیرش جریان این اصل در شبهات حکمیه است که مخالفین جدی پیش روی دارد .

مرحوم آخوند خراسانی در کتاب رضاع در این باره می‌فرماید: مقتضای اصل عدم نشر حرمت می باشد؛ زیرا حرمت به سبب رضاع حاصل می‌شود، پس اگر در تحقق و حدوث رضاع شک شود، اصاله عدم حدوث رضاع مقتضی عدم عروض آنچه به واسطه رضاع حاصل می‌شود می‌باشد، و تعارضی با استصحاب حرمت قبل از عقد وجود ندارد؛ زیرا شک در حرمت بعد از عقد مسبب از شک در حدوث رضاع نشر دهنده ی حرمت می‌باشد.(آخوند خراسانی ،۱۴۱۳ :۳)

نتیجه اصول عملیه در مقام:

از آنچه که گذشت مشخص شد که اصل اولی در مقام رضاع حرمت نکاح با عناوین مشکوکه و غیر مصرحه می باشد مگر اینکه دلیلی بر خلاف اقامه شود. حال نوبت آن رسیده که ادله اجتهادی در مقام را بررسی نماییم که اگر بواسطه آن حلیت نکاح با عناوین غیر مصرحه اثبات نشود اصل اولی چنانچه که گذشت حرمت است.

بند دوم- اقتضای ادله اجتهادی در این مقام (شبهه حکمیه)

اقتضای ادله اجتهادی صحت نکاح در موارد مشکوک می باشد؛ توضیح آن که ادله ای در قرآن و سنت وجود دارد که به صورت عام بیانگر جواز ازدواج با هر زنی است، در مقابل ادله ای دیگر به صورت مخصص، دایره این تجویز را محدود می نماید، مثل آیه ۲۳ سوره نساء، در این آیه شریفه مخصصات جواز نکاح به صورت منفصل بیان گردید، که در بخش محرمات رضاعی آن تردید و اختلاف ایجاد شده است، این تردید ناشی از اجمال مفهومی در این بخش است، بی شک این اجمال موجب اجمال در مقدار مخصص از جواز نکاح است که آیا مخصص محدود به موارد هفتگانه مصرّح است یا بیش از آن را هم شامل است؟ در واقع مخصص بین اقل و اکثر مرددداست و در چنین مواردی اصولیین به قدر متیقن این مخصّص اکتفا نموده، و از گسترش دامنه آن خودداری می‌نمایند، و در موارد مشکوک به عموم ادله موجود استناد می‌کنند. چون موارد مشکوک قطعاً داخل در عمومات هستند و خروج آن توسط مخصّص ثابت نگردیده، لذا ظهور عام ، معارض و مزاحمی ندارد و قابل تمسک است، بنابراین در رابطه با موارد رضاعی که منطبق بر عناوین مصّرح نیست عموم ادله جواز نکاح، حاکم است.

بررسی ادله تعمیم حرمت نکاح:

بعضی از فقها معتقدند حرمت نکاح در رضاع منحصر به عناوین محّرم مصّرح نیست و به دو دلیل تمسک نموده اند: یکی اطلاق حدیث یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب و دیگری احادیث خاصه در مقام مثل روایاتی که ازدواج پدر شیرخوار با اولاد مرضعه را حرام می شمارد .

۱- تمسک به اطلاق حدیث یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب

اطلاقات نصوص شرعی اعم از قرآن و روایات ارزشی همانند منطوقات دارند و مورد استنادند. در حدیث شریف یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب اطلاق کلامی وجود دارد که قابل اعتنا و توجه است، این اطلاق می تواند کاشف مراد شارع در محرمات رضاعی باشد.

این قاعده نص شرعی است، بنابراین بایستی واژگان آن به خوبی مورد بررسی قرار گیرند، از جمله واژه ی (ما) که در آن احتمالات متفاوتی گفته شده است .

معانی واژه "ما" در این حدیث شریف:

الف- (ما) فردی و معین

از جمله بعضی از فقها احتمال داده اند مقصود از ما فرد معین و مشخص باشد، بنابراین معنا شخصی که در حال نسب ازدواج با او حرام است، در حالت رضاع ازدواج با او حرام و ممنوع است. این احتمال توسط خود گویندگان باطل اعلام گردیده؛ زیرا ممکن نیست شخصی که ازدواج با او نسباً حرام است رضاعاً نیز حرام باشد، به تعبیر دیگر اگر مردی قصد ازدواج با زنی را دارد محال است آن زن هم خواهر نسبی او باشد هم خواهر رضاعی او. (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ :۳۰)

ب-(ما)نوعی

احتمال دوم در مسئله این است که مقصود از ما کنایه از عناوین محرم باشد، به این معنا که هر عنوانی که از جهت نسب موجب حرمت است، از نظر رضاع نیز موجب حرمت است .صاحب جواهر از فقهایی است که قائل به این نظر می باشد. ایشان می فرماید مراد از (ما) در روایت این است که هر آنچه از نظر نسب حرام است نظیرش در رضاع حرام است.

بنابراین روایت خواهران، دختران، مادران، عمه و خاله که از نظر نسبی ازدواج با آنان حرام است از نظر رضاعی نیز ازدواج با آنان حرام است.(نجفی ،۱۴۰۴: ۳۰۲)

پ-مراد از (ما)مطلق عمل باشد

طبق این معنا هر عملی که از جهت نسب حرام و ممنوع است، از جهت رضاع نیز حرام و ممنوع است، چه این عمل نکاح باشد چه غیر نکاح، مثلاً خرید و فروش پدر و مادر نسبی حرام است، بنابراین خرید و فروش پدر و مادر رضاعی نیز حرام میباشد، این نظر بر گرفته از روایات می باشد، مثل صحیحه ی عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام که از حضرت سوال شد: آیا زنی که غلامی را شیر داده آیا می تواند آن غلام را بفروشد؟ حضرت فرمودند: آن غلام پسر رضاعی آن زن است، بنابراین فروشش جایز نیست، زیرا رسول خدا(ص) فرموده یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب (عاملی(حر)، ۱۴۰۹: ۴۰۵)

ت-مراد از (ما) عمل نکاح باشد

اگر مراد از ما را عمل نکاح بگیریم، بنابراین معنای روایت اینگونه است: هر ازدواجی که از نظر نسب حرام است از جهت رضاع هم حرام و باطل است، بنابراین همانطور که با خواهر نسبی ازدواج حرام و ممنوع است با خواهر رضاعی نیز ازدواج حرام و ممنوع است، صاحب القواعد الفقیه با نظر آیت الله خویی به مخالفت برخاسته و می گوید: در بسیاری از افعال بین نسب و رضاع تفاوت گذاشته شده، از جمله اینکه پدر نسبی در مقابل قتل فرزند خود قصاص نمی شود. هرچند این قتل به واسطه بینه یا اقرار ثابت شود، لکن پدر رضاعی اگر پسر رضاعیش را بکشد یا دخترش را ، به واسطه قتل آنها قصاص می‌شود ، بنابراین ایشان نتیجه می‌گیرند که بایستی مقصود از (ما) را فقط حرمت نکاح گرفت یا عناوینی که در آنها دلیل خاص وارد شده نه هر فعلی. (بجنوردی، ۱۴۱۹ :۳۹۴)

با توجه به این مطلب اطلاق صله در حدیث شریف یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب شامل همه عناوین است، و منحصر به عناوین محرم مصرح نیست، به این معنا که طبق ذیل حدیث شریف یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب هر کس که از جهت نسب ازدواج با او حرام است از جهت رضاع هم ازدواج با او حرام و ممنوع است و دیگر فرقی نمی‌کند این عنوان جزو عناوین محرم مصرّح است یا نه؟ به دیگر سخن، حدیث شریف یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب در این محدوده حرمت نکاح در حالت رضاع را مبتنی بر محرمات نسبی ننموده، لذا کافی است مورد رضاع معادل مورد محرم نسبی باشد، که در اینصورت حرمت ازدواج ثابت است. بنابراین در این حدیث برای موارد حرمت نسبی هیچ قیدی بیان نشده که باید از عناوین محرّم مصرّح باشد، بلکه به طور مطلق آمده هر جا از جهت نسب،حرمتی برای نکاح ثابت است، همان مورد از جهت رضاع حرام و ممنوع است. در نتیجه با وجود چنین اطلاقی در این حدیث شریف منحصر نمودن آن به موارد محرّم مصرّح خلاف منطق اصولی است و باید با تفسیر موسع دامنه حرمت رضاعی را فراتر از عناوین مذکور در نصوص شرعی دانست، و هر موردی که در حالت نسب حکم به حرمت آن میشود در حالت رضاع هم چنین حکمی تسری یابد.

نقد و بررسی اطلاق روایت یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب

هر چند استناد به اطلاقات کلامی از مسلمات و مورد تایید سیره عقلایی است، و در نصوص شرعی همیشه مورد تمسک بوده، اما در مورد این حدیث شریف نکاتی وجود دارد که استناد به این اطلاق را کمرنگ و ضعیف می نماید.

اولاً این نحوه تفسیر از روایت شریف مبتنی بر آن است واژه(ما)موصول به معنای اشخاص باشد. به این معنا که هر شخصی که از جهت نسب ازدواج با او جایز نیست، از جهت رضاع هم از ازدواج به او صحیح نیست، و از آنجا که ازدواج با مادر نسبی برادر حرام است، ازدواج با مادر رضاعی برادر هم ممنوع و حرام است. این تفسیر با این مشکل مواجه است که بر فرضی که منظور از (ما) موصول، اشخاص باشد بی شک منظور نوع اشخاص است نه فرد آن .مانند بنوت،اخوت،ابوت، که در این صورت حدیث شریف فقط ناظر به عناوین خواهد بود که بالذات محور حرمت نکاح در نسب اند که همان عناوین محرّم مصرّح در نصوص خواهد بود. زیرا حکم حرمت در چنین مواردی حکم تعبدی است که تنها راه دستیابی به آن، مراجعه به نصوص شارع مقدس است، و در این رابطه چیزی جزو عناوین هفتگانه مصرح در آیه ۲۳ سوره نساء چیزی وجود ندارد. پس مستند هر حرمتی در نکاح همان عناوین است، و تعلیل حرمت دیگر عناوین، مستلزم ارجاع به همین عناوین مصرّح در نصوص شرعی است، در غیر اینصورت عناوین محرم نمی بایست منحصر در هفت مورد باشد. بنابراین این عناوین غیرمصرّح نمی‌توانند مراد از (ما) موصول در حدیث شریف باشند، ثانیاً، اگر مراد از (ما)موصول هر عمل حرام در نسب مثل نکاح باشد، بدیهی است در این حالت هم بنابر همان توضیح سابق موارد حرمت نکاح در نسب را باید در عناوین محرم مصرح بالذات جستجو نمود، یعنی محرماتی که در شریعت مقدس به صورت قضایای حقیقیه ثابت است این امر مختص به عناوین مذکور در نصوص شرعی است نه عناوین ملازم با عناوین محرم، که در هیچ یک از ادله شرعی تحریم نکاح، نامی از آنها به میان نیامده است.

۲- اقتضای احادیث خاص

روشن گردید دلیل عام یا مطلقی که به طور کلی بیانگر تحریم نکاح نسبت به تمامی محرمات نسبی حتی عناوین غیر مصرح، در حالت رضاع باشد، وجود ندارد، اما در این میان ادله ای وجود دارد که بعضی از عناوین غیر محرّم بالذات در نسب را در حالت رضاع تحریم نموده است.

علامه حلی از جمله فقهایی است که معتقد است علیرغم فقدان دلیل عام بر حرمت عناوین غیر مصرح در رضاع ادله ی خاصّه این موضوع را در بعضی از موارد اثبات می‌کند.

ایشان در کتاب مختلف الشیعه در رد قول شیخ طوسی چنین می فرماید: شیخ در مبسوط می گوید: برای شوهر که همسرش بچه را شیر می دهد جایز است که با مادر نسبی شیرخواره و یا خواهر او ازدواج کند، همچنین برای پدر نسبی مرتضع جایز است با زنی که فرزند او را شیر میدهد ازدواج کند؛ زیرا بین آنها نه نسبی است و نه رضاعی، از آنجایی که جایز است فرد با مادر فرزند نسبی فرزندش ازدواج کند جایز است با مادر رضاعی او ازدواج کند به طریق قیاس اولویت، علامه حلی در رد نظر ایشان می‌فرماید: قول شیخ در مبسوط هر چندقولی است قوی ولی روایت صحیحه بر خلاف آن است، چون علی بن مهزیار از امام جواد(ع) سوال می‌کند: از زنی که بچه را شیر داده آیا برای من جایز است که با دختر شوهر او ازدواج کنم؟ حضرت فرمودند: سوالی که پرسیدی نیکو است، مردم ازدواج با مادر این فرزند را از چه جهت حرام می‌دانند؟ قطعا از جهت اینکه این زن ازشیر شوهر، این فرزند را شیر داده است، پس این ازدواج صحیح نیست. به امام عرض کردم: دختری که قصد ازدواج با او را دارم دختر همان زنی که بچه

ی مرا شیر داده نیست، بلکه دختری است از شوهر دیگر او (همسر سابقه اش) و شیری که الان به فرزند من داده از همسر جدیدش است، امام فرمودند: اگر این دختر از همسران دیگر باشد اگر این زن ده شوهر هم کرده باشد، باز فرزند او در حکم فرزند تو است، به جای دخترت ازدواج با او جایز نیست.(حلی،حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ : ۴۰)

در مسالک الافهام از قول علامه حلی نقل شده که نکاح پدر مرتضع با اولاد صاحب لبن صحیح نیست؛ زیرا این مسئله خارج از حکم قاعده یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب می باشد، اولاد مرضعه و اولاد صاحب شیر برادران فرزند پدر مرتضع می باشند، و همچنین خواهران او، و خواهر فرزند نسبی گاهی ازدواجش با فرد جایز است و گاهی ازدواجش حرام است، لذا مقتضای این سخن این است که اولاد صاحب لبن و اولاد مرضعه مطلقاً بر پدر مرتضع ازدواجشان جایز است، علاوه بر آن سخن پیامبر که می فرمایدیحرم من الرضاع ما یحرم من النسب حرمت رضاعی جایی است که حرمت نسبی در مسئله باشد بعد قطعاً خواهران فرزند ازدواجشان بر فرد همیشه حرام نیست، با این وجود علامه در این مسئله یقین به تحریم دارد به تبعیت از ابن ادریس حلّی و قول شیخ در الخلاف به دلیل ورود روایات صحیحه ای که دال بر تحریم است، مثل روایت صحیحه ی علی بن مهزیار. (عاملی،(شهید ثانی)، ۱۴۱۳ :۵۲)

نتیجه گیری

بعضی از فقها معتقدند برادران و خواهران نسبی مرتضع (که خود از آن شیر نخوردند) نمی توانند با خواهران و برادران رضاعی مرتضع ازدواج نمایند چون عموم تنزیل «لِأَنَّ وُلدِها صَارَت بِمَنزِلَةِ وُلدِک» مقتضی این است که اولاد فحل و مرضعه به منزله اولاد پدر مرتضع ، و فرزندان آنها با یکدیگر به عنوان اخوه محسوب شوند ودر نتیجه ازدواجشان ممنوع باشد. این استدلال مورد خدشه دیگر فقهاء واقع گردیده و در انتقاد بر آن گفته اند : حداکثر دلالت تنزیل «لِأَنَّ وُلدِها صَارَت بِمَنزِلَةِ وُلدِک» ثبوت جمیع احکام ولدیت برای اولاد فحل و مرضعه به نسبت به پدر مرتضع است نه دیگران. بنابراین در این روایات تنها تنزیل به ولد شده است نه تنزیل به اخوه. پس فرض برادر و خواهر بودن این افراد منتفی و ازدواج جایز است. به دیگر سخن ، فرض اولاد فحل به عنوان اولاد برای پدر مرتضع مستلزم فرض آن اولاد به عنوان اخوه برای دیگر فرزندان آن پدر نیست.

باید توجه داشت نتیجه حاصله از ادلّه خاصّه و تفسیر موسع از آن روایات و حکم به تحریم نکاح در غیر از پدر مرتضع با اولاد مرضعه ، دارای مخالفین جدی است که نمی توان آن را نادیده گرفت به طوری که بعضی از فقهاء بخاطر عدم مخالفت با مشهور تمایل به عدم التزام به آن نشان داده اند. از میان قدماء به جز ابن حمزه کسی این نظر را بر نگزیده و شیخ طوسی هر چند این نظر را در دو اثر نهایه و خلاف پذیرفته ولی در مبسوط که اخرین کتاب او است از آن عدول نموده و علامه در حکم مسئله توقف نموده است. در میان متاخرین محقق سبزواری و شیخ انصاری به این نظر متمایل گشته اند.

پیشنهادات

با توجه به کاربرد عملی فقه در عرصه ی اجتماع و مباحث حقوقی مانند آمدن قاعده ی رضاع در ماده ی ۱۰۴۶ ق.م و اینکه حقوقدانان به محدوده ی این قاعده اشاره کرده، و در مقام بررسی آن بر آمده اند در واقع سعی آنها بر این مهم بوده که نمای کلّی تأثیر رضاع در نسب را ترسیم نمایند و محدوده ی عملکرد آن را نشان دهند. مجموع این نظرات را می توان در دو دسته کلی قرار داد. البته در این میان آثار حقوقی وجود دارد که در آنها هیچ اشاره ای به این مسئله وجود ندارد.

برخی از حقوقدانان با وجود اشاره به این موضوع در ذیل ماده ۱۰۴۶ وتاکید بر این که نباید این ماده را تفسیر موسع ارائه نمود، اما دلیل قانع کننده ای بر این مسئله اقامه نمی نمایند و تنها به استظهار از مواد مربوطه و ادله ای همچون بر هم خوردن نظم جامعه یا اخلاق عمومی اکتفا می نمایند. در واقع خواننده این آثار حقوقی به خوبی مبنای این نظر حقوقی را در نمی یابد و متوجه نمی شود چرا نمی تواند از اطلاق این ماده استفاده کند و باید به قدر متیقن آن بسنده نماید.

حال به برخی از آنها اشاره می شود :

الف. « قرابت رضاعی یک فرض حقوقی است که هدف آن ایجاد حرمت نکاح بر پایه احترام به سنت های اجتماعی است پس در اجرای آثار این "فرض" بایستی از افراط پرهیز کرد و حرمت رضاعی را استثنایی بر قواعد عمومی دانست. درنتیجه حرمت رضاعی محدود به اشخاصی است که پس از تطبیق ماده ۱۰۴۶ با محارم نسبی از قانون مدنی استنباط شد و این دایره را نباید به قیاس و تشبیه توسعه داد. برای مثال فرض کنیم پسری از شیر زنی با شرایط خاص بخورد، این زن مادر رضاعی اوست و اگر دختر دیگری نیز از شیر زن خورده باشد ، خواهر رضاعی او می شود و شوهر زن پدر رضاعی او ، ولی نباید ادعا کرد که چون این زن مادر رضاعی طفل است به منزله مادر رضاعی برادر او نیز هست و به همین ترتیب دختران رضاعی زن نیز همه در حکم خواهران رضاعی او

هستند . یا شوهر زن پدر رضاعی این برادر نیز محسوب است . این توسعه نه تنها با ظاهر قانون مدنی منافات دارد، اجرای موارد آن را دشوار می سازد و فروعی پیش می آورد که اخلاق عمومی و منطق سلیم در زمان ما آن را نمی پذیرد.

برای نمونه اگر زنی برادر شوهر خود را شیر دهد ، باید مادر رضاعی شوهرش به حساب آید و بر او حرام گردد یا اگر مادر زنی نوه خود را شیر دهد چون این نوه دختر رضاعی او می شود ، مادر طفل نیز خواهر رضاعی او به شمار می رود، یعنی مثل این است که مرد با خواهر رضاعی فرزند خود نکاح کرده است و به همین جهت نکاح آن دو منفسخ می شود. برای پرهیز کردن از این نتایج ... نباید مادر رضاعی شخص را به منزله مادر رضاعی برادر او دانست یا اگر زنی نوه اش را شیر دهد، دختر او به منزله خواهر رضاعی نوه اش نیست.»(کاتوزیان،۱۳۷۵:۱۰۷)

ب. « قانون مدنی پس از بیان اقارب نسبی که نکاح با آنان ممنوع می باشد ، حرمت نکاح با اقارب رضاعی را به عبارت کوتاه (قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است) ذکر کرده است.عبارت مزبور متذکر شده که نکاح با خویشاوندان رضاعی مانند نکاح با خویشاوندان نسبی حرام است ، ولی تصریح نکرده که خویشاوندان رضاعی چه کسانی هستند آنگونه که در ماده ۱۰۴۵ ق. م خویشاوندان نسبی را نام برده است.

آنچه از عبارت ماده بالا می توان استنباط نمود آن است که نکاح با هر یک از اقربای رضاعی که یکی از عناوین مذکور در ماده ۱۰۴۵ ق.م (با اعتبار خویشاوندان رضاعی) بر او صدق کند ممنوع می باشد.»

ج- « قرابت رضاعی فقط از حیث حرمت نکاح موثر است و سایر آثار قرابت نسبی از قبیل انفاق و توارث در قرابت رضاعی نیست، قرابت رضاعی در همان حدود قرابت نسبی مانع نکاح است. به عبارت دیگر، آنگاه مانع نکاح است که اگر نسبی باشد ، مانع نکاح تلقی شود (ماده ۱۰۴۵ ق. م) . مثلا همانگونه که شخص نمی تواند با پدر، پدربزرگ ، فرزند، برادر و خواهر نسبی خود ازدواج کند با خویشان رضاعی خود نیز که دارای همین عناوین باشند نمی تواند عقد نکاح ببندد.»

اما برخی از نویسندگان حقوقی این مسئله را ریشه یابی نموده و سعی بر آن داشتند که حتی المقدور مبنای این مسئله حقوقی را با تکیه بر منابع معتبر فقهی مورد تحقیق قرار دهند و پاسخی در خور به این سوال حقوقی بدهند و چرایی تفسیر مضیق از این ماده را تبیین نمایند. (البته تعداد این دسته از نویسندگان بسیار محدود است) برای نمونه به یکی از آنها اشاره می گردد : « قرابت رضاعی در حکم قرابت نسبی است، از این حیث که مانند قرابت نسبی به شرح ماده ۱۰۴۵ ق.م موجب ممانعت از انعقاد عقد نکاح می شود.

توضیح آنکه در شرح ماده ۱۰۴۵ ق.م هفت عنوان طرح گردید که محرمات نسبی زیر این هفت عنوان جمع می شود پس به دستور صدر ماده ۱۰۴۶ ق.م محرمات رضاعی هم هفت عنوان خواهد داشت.

مثال : در هفت عنوان مذکور عنوان خواهر را داریم اما عنوان (خواهر برادر) را نداریم . پس در قلمرو محرمات رضاعی هم ، عنوان (خواهر) را خواهیم داشت نه عنوان (خواهر برادر) را. مثلاً زینب مادر علی است؛ پس از فوت یا طلاق شوهرش با شکرالله که از زن دیگرش دختری به نام زهرا دارد ازدواج می کند و از این ازدواج پسری به نام بهرام می آورد که بهرام و زهرا با هم خواهر و برادر ابی هستند. بدیهی است که علی و بهرام هم برادر امی هستند. در این مورد:

اولاً : با اینکه زهرا نسبت به علی عنوان (خواهر برادر) را دارد خواهرعلی نیست (نه خواهر ابی و نه خواهر امی و نه خواهر ابوینی) و بر علی حرام نیست و علی و زهرا می توانند ازدواج کنند. زیرا عنوان (خواهر) که از عناوین هفتگانه مذکور در ماده ۱۰۴۵ ق.م است در این مورد وجود ندارد فقط عنوان (خواهر برادر) وجود دارد که هم جزو عناوین هفتگانه نیست.

مثال دیگر زنی خواهر زاده خود را شیر می دهد آن زن، مادر رضاعی کودک است که در عین حال چون خواهر دو مادر نسبی کودک است خاله کودک به شمار می آید یعنی شیر دهنده اگر زن امیر باشد:

اولا زوجه او است.

ثانیا خاله فرزند رضاعی او هم هست.

یعنی یک نفر دو عنوان دارد : عنوان زوجه و عنوان خاله، لکن چون در میان هفت عنوان محرمات نسبی، عنوانی به نام (خاله فرزند) نداریم بلکه در ماده ۱۰۴۸ ق.م جمع بین اختین ، موجب حرمت است و در فرض بحث ما به صرف اجتماع دو عنوان زوجه و خاله جمع بین اختین نمی شود پس این رضاع، اشکالی به وجود نمی آورد.

نتیجه اینکه در اجرای صدر ماده ۱۰۴۶ ق.م باید یکی از عنوان های هفتگانه مذکور در ماده ۱۰۴۵ ق .م را معیار برای اظهارنظر در محرمات رضاعی قرار دهیم. زیرا محرمات رضاعی مو به مو تابع عناوین هفتگانه محرمات نسبی هستند. » (جعفری لنگرودی، ۳۶:۱۳۷۶)

در جایی دیگر می افزاید : « با تصور جامعی که از قاعده تنزیل بدست دادیم نتایج ذیل بدست
می آید :

الف. پدر رضاعی می تواند با مادر نسبی فرزند رضاعی خود ازدواج کند زیرا آن مادر ، مادر فرزند رضاعی وی است و عنوان (مادر فرزند) جزو عناوین هفتگانه محرمات نسبی نیست.

ب. به دلیل مذکور فوق، مادر رضاعی می تواند با پدر نسبی فرزند رضاعی خود ازدواج کند زیرا (مادر فرزند) جزو عناوین هفتگانه محرمات نسبی نیست.

ج. پدرنسبی مرتضع می تواند با مرضعه ازدواج کند زیرا مرضعه مادر رضاعی فرزند وی است و مادر فرزند جزو عناوین هفتگانه محرمات نسبی نیست.

د. پدرنسبی مرتضع می تواند با خواهر و جده مرتضع که فرزند نسبی وی است ، ازدواج کند زیرا (خواهر فرزند) و (جده فرزند) جزو عناوین هفتگانه محرمات نسبی نیست. پس با مادر مادر رضاعی می تواند زناشویی کرد اما با مادر مادر نسبی نمی تواند ازدواج کرد. زیرا مادر مادر نسبی که مادر زن است جزو زنانی است که به موجب مصاهرت (ماده ۱۰۴۷ ق.م) حرام است.»

و یا در بخشی دیگر با تحلیل دقیقتر در رابطه با عناوین غیر مصرح در ۱۰۴۵ ق.م می نویسد : «در محرمات نسبی هفتگانه عنوان (خواهر فرزند) نداریم. خواهر فرزند زیر یکی از دو عنوان ذیل حرام است:

الف. دختر – یعنی گاه است که خواهر فرزند شما دختر شما اما همیشه چنین نیست.

ب. ربیبه – یعنی دختر زن (بند ۳ ماده ۱۰۴۷ ق .م) که از شوهر دیگر است.

لکن به هر حال خواهر امی فرزند شما می شود. این یکی به مصاهرت حرام است (نه به نسب) یعنی ازدواج با زن، نکاح با ربیبه حرام است نه به جهت دیگر.

پس اگر خواهر فرزند هیچ یک از دو عنوان بالا را نداشته باشد ، مشمول عموم قاعده تنزیل نخواهد بود.»

و در نهایت در جمع بندی می نویسد : «قرابت رضاعی به منزله قرابت نسبی است و هر چه را قرابت نسبی (از حیث موانع نکاح در ماده ۱۰۴۵ ق.م) شامل باشد قرابت رضاعی هم به موجب ماده ۱۰۴۶ ق.م شامل است.»

چنانچه از نظرات فوق مشاهده می شود همه نویسندگان حقوقی معتقدند محدوده عملکرد قاعده رضاع تنها در موارد نسبی مصرح در قانون یعنی ماده ۱۰۴۵ ق.م است و نمی توان دایره آن را گسترش داد. اما از سوی اکثر نویسندگان در تعلیل این مدّعا و نقد نظر مخالف برهان خاصی اقامه نمی شود و تنها به استظهار از مواد اکتفا می گردد. البته چون برخی از این کتاب ها جنبه آموزشی دارند. بدیهی است نمی توان از آنها انتظار تعمیق مطالب را داشت چون از حوصله دانشجوی مبتدی خارج و توضیح آن از سوی استاد، طاقت فرسا خواهد بود. هر چند در اکثر کتب تفصیلی در حقوق خانواده هم توضیح مستدل مبنایی در این زمینه دیده نمی شود. لذا ضروری است برای تبیین هر چه بهتر این مسئله ، آراء و مبانی آن مستدلاً و مستنداً در یک رساله مستقل بررسی گردد که این امر مهم در بخش " بررسی فقهی" به تفصیل مورد تحقیق قرار گرفته است.

منابع پژوهش

فارسی

جعفری لنگرودی، محمدجعفر،(۱۳۷۶)."**حقوق خانواده**". تهران،گنج دانش.

کاتوزیان، ناصر،(۱۳۷۵)."**حقوق خانواده**".تهران:شرکت انتشار.

عربی

آخوند خراسانی ،محمد کاظم،(۱۴۱۳)،"**کتاب الرضاع**"،ج۱ ،قم،دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

انصاری، مرتضی،(۱۴۱۱)،"**رسالة فی الرضاع**"،ج۱، قم، منشورات دارالذخائر.

انصاری، المرتضی،(۱۴۱۵). "**فرائد الاصول**"،ج۱ ،قم، دفترانتشارات اسلامی.

بجنوردی ،میرزاحسن،(۱۴۱۹)،"**القواعد الفقهیه**"،ج۴ ،قم،نشر الهادی.

بحرالعلوم،محمدبن محمدتقی،(۱۴۰۳)،"**بلغة الفقیه**"،ج۳،تهران،منشورات مکتبة الصادق،چهارم.

حلی،ابن ادریس ،(۱۴۱۰)،"**السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**"،ج۲،قم،دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،دوم.

حلی،حسن بن یوسف مطهر اسدی،(۱۴۱۳)،"**مختلف الشیعة فی احکام الشریعة**"، ج۷، قم ، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.

صدر،سید محمد باقر،(۱۴۰۵)،"**دروس فی علم الاصول**"،ج۴،قم، دارالمنتظر.

صدر، سیدمحمد، (۱۴۲۰)،"**ماوراءالفقه**"، ج ۶، بیروت، دارالاضواء للطباعة و النشروالتوزیع.

طباطبایی،سید علی،(۱۴۱۸)،"**ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**"،ج۱۱، قم،موسسه النشر الاسلامی.

طوسی،ابوجعفر،(۱۴۲۹)،"**المبسوط فی الفقه الامامیة**"،ج۴ ،تهران، المکتب المرتضویة الاحیاء الآثار الجعفریة ،سوم.

عاملی،(حر)،(۱۴۰۹)،"**تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**"،ج۲۰و۱۷،قم،موسسه آل البیت علیهم السلام.

عاملی(شهیدثانی)،زین الدین بن علی،(۱۴۱۳)،**"مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام"** ، ج۷، قم ، موسسه المعارف الاسلامیة.

محقق بحرانی،یوسف، (۱۴۰۵)،**"الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة"**.ج۲۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

محقق کرکی،علی بن حسین،(۱۴۰۹)،**"الرسائل المحقق الکرکی"**،ج۱،قم،کتابخانه آیةالله مرعشی و دفتر نشر اسلامی.

موسوی(خویی)، سید ابوالقاسم،(۱۴۱۷)،**"احکام الرضاع فی فقه الشیعة"**ج۱،بیروت،المنیر للطباعة و النشر.

نجفی، محمدحسن،(۱۴۰۴)،**"جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام"**، ج۲۹، بیروت،دارالاحیاء التراث العربی، هفتم.